

عبرت

وظیفه سارق در مقابل مال باخته

برابر قانون در تمام موارد سرقت و ربودن اموال، دادگاه علاوه بر تعیین مجازات، سارق یا رباینده را به رد عین مال مسروقه محکوم می کند و اگر عین آن وجود نداشته باشد سارق به رد مثل یا قیمت مال مسروقه یا ربوده شده و جبران خسارات وارد شده محکوم خواهد شد. برای مثال اگر سارقی فرش نفیس ۱۲ متری آقای «الف» را برده باشد چنان چه عین مال موجود باشد حتی اگر در دست شخص دیگری باشد، مال ربوده شده به آقای «الف» برگردانده می شود. چنان چه فرش مزبور از بین رفته باشد، قیمت آن توسط کارشناس ارزیابی می شود که باید توسط سارق پرداخت شود. اگر سارق عین مال را برنگرداند یا قیمت آن را نپردازد، چنان چه مالی از او در دسترس باشد ضبط و به میزان محکومیت از مال ضبط شده برداشت می شود در غیر این صورت به تقاضای مال باخته تا زمان پرداخت در حبس خواهد ماند. حتی اگر محکومیت مجازات اصلی او تمام شده باشد، به علت پس ندادن مال مسروقه در بازداشت باقی خواهد ماند مگر آن که برای دادگاه ثابت شود او معسر است یعنی دارایی اش برای پرداخت بدهی کافی نیست. لازم به ذکر است که استرداد مال مسروقه نیاز به طرح دادخواست در دادگاه مربوطه ندارد و حسب قانون، در تمام موارد سرقت و ربودن اموال مذکور در مباحث فوق دادگاه علاوه بر مجازات تعیین شده سارق یا رباینده را به رد عین و در صورت فقدان عین به رد مثل یا قیمت مال مسروقه یا ربوده شده و جبران خسارت وارد شده محکوم خواهد کرد. همین حکم در خصوص جرم کلاهبرداری ساری و جاری است.

معاونت فرهنگی دادگستری کل خراسان شمالی

خبر

دستگیری سارقان سابقه دار با ۱۳ فقره سرقت

فرمانده انتظامی اسفراین از دستگیری ۳ سارق سابقه دار با ۱۳ فقره سرقت کابل برق چاه عمیق در این شهرستان خبر داد. سرهنگ «جاوید مهری» گفت: در پی دریافت شکایت مبنی بر وقوع چندین فقره سرقت کابل برق چاه عمیق کشاورزی در شهرستان این موضوع به صورت ویژه در دستور کار ماموران مبارزه با سرقت پلیس آگاهی قرار گرفت. این مقام انتظامی با اشاره به این که ماموران با انجام برخی اقدامات فنی، پلیسی و افزایش گشت های هدفمند در مناطقی که سرقت انجام شده بود موفق به شناسایی سارقان شدند، افزود: در این زمینه ۳ سارق حین سرقت دستگیر شدند و در تحقیقات اولیه به ۱۳ فقره سرقت کابل چاه عمیق در چند روستای این شهرستان اعتراف کردند .

هیزم خانواده روی آتش اختلاف زوج جوان

صدیقی- زندگی مشترک یک زوج جوان با دعوای و قهرهای بی در پی شان در بن بست قرار گرفت. زوج جوان به خیال این که هر کدام شان از مواضع شان کوتاه بیایند جدال زناشویی هستند پا در رکاب غرور گذاشتند و سوار اسب اختلافات شدند تا این که سر از دادگاه خانواده درآوردند. البته در این بین، خانواده شان با بی توجهی، روی آتش اختلاف آن ها هیزم می ریختند.

زن جوان اگرچه ظاهرش آرام بود اما در باطن پر از آشوب و اضطراب بود.

او می گوید: من و همسرم، هر دو تک فرزند و به قول معروف روی پر قو بزرگ شده و شاغل بودیم.

آشنایی ما از دانشگاه شروع و با ادامه ارتباط های بعدی کم کم عشق و علاقه بین ما محکم فرما و به ازدواج ختم شد. بعد از ازدواج هر دو کم تجربه بودیم و طرز برخورد صحیح را با یکدیگر بلد نبودیم. هر کدام سعی می کردیم با لجبازی حرف مان را به کرسی بنشانیم. هر دو انتظار داشتیم هنگام رفتن به خانه خانواده مان طرف مقابل کلی منت بکشد تا مجوز رفتن به مهمانی صادر شود. رفته رفته برخوردهای لجوجانه و غیر منطقی ما به پر خاشگیری و گاهی اوقات کتک کاری کشیده و با ادامه این رفتارهای ناپخته، پای خانواده ها به وسط کشیده شد.

هر کدام از خانواده ها قیافه حق به جانب می گرفتند و دیگری را مقصر بروز این مشکل قلمداد می کردند. تا زمانی که پای خانواده ها وسط کشیده نشده بود دعوای ما بعد از چند دقیقه فروکش می کرد اما آن ها با دخالت شان هیزم روی آتش می ریختند و شعله های اختلاف ما را به آسمان می بردند تا جایی که عزت و احترام بین ما از بین رفت و ارتباط مان قطع شد.

بعد از مدتی، کینه و دشمنی جای مهر و محبت را گرفت و نق زدن های ساده ما به یک بحران تبدیل شد. بعد از قهر طولانی، زمانی که از همسرم خواستم با عذرخواهی از من و خانواده ام به این ماجرا پایان دهد او نه تنها این کار را نکرد بلکه جلوی در خانه پدرم آمد و حرف های زشتی به خانواده ام گفت و با تهدید از من خواست سر زندگی ام برگردم وگرنه زندگی مشترک مان از هم می پاشد. پدرم بعد از این اتفاق، از من خواست مهریه ام را اجرا بگذارم و هر چه زودتر به آمد اما تا به کمک مشاوران شاید بتوانم به این اختلافات پایان بدهم.

قلب حادثه



تصادفی دیگر در جاده گلستان شهر

ماجرای مرد متوهمی که دخترش را در آستانه مرگ قرار داد

زخم عمیق شیشه روی پیکر یک زندگی



صدیقی

«به خیال این که دخترم قصد حمله به من را دارد به سویش حمله ور شدم و محکم گلویش را گرفتم و فشار دادم. نفس های آخر دخترم بود که ناگهان همسرم با فریاد از پشت سر مرا محکم به گوشه ای هل و دخترم را از دستم نجات داد. زمانی که به خودم آمدم دیدم چه کار وحشتناکی انجام داده ام؛ این ها بخشی از صحبت های یک مرد شیشه ای است که از مواد دل پریده و به جاده امید و زندگی برگشته است.

دوران کودکی پر اضطرابی را پشت سر گذاشت. هنوز به گفته خودش خوب و بد را از هم تشخیص نمی داد که دست سرنوشت سایه پدر را از روی سرش برداشت.

بعد از آن مادرش زیاد توانست زیر بار سنگین مسئولیت زندگی دوام بیاورد و به ازدواج مجدد رو آورد. همین موضوع باعث شد پدر بخت برگشته زیر دست ناپدری روزهای بدی را سپری کند و مدام از او سرکوفت بشنود. او می گوید: وقتی پدرم فوت کرد کودکی بیش نبودم و با ازدواج مجدد مادرم رویاهایم کم رنگ شد چون ناپدری ام چشم دیدن مرا نداشت. تا مقطع دبیرم در کنار مادر و ناپدری ام زندگی کردم و با وجود ناملایمات دم نزدم. پدر منوچوان که به خاطر رفتارهای خشن ناپدری اش اعصابش خرد می شد سر همین ماجرا ناراحتی اعصاب می گیرد و به مصرف قرص های روان گردان رو می آورد تا به خیال خودش اعصابش کمی آرام شود.

پس از مدتی که مقطع دبیرم را پشت سر می گذارد در یک نهاد دولتی استخدام می شود تا روزهای روشن تری را سپری کند. روزهای خوش او همچون سایه پدرش خیلی زود رخت بر می بندد و با رفتارهای ناپدری اش دچار ناراحتی اعصاب و روان می شود.

بعد از گذشت دو سال از خدمت در نهاد دولتی به خاطر مصرف قرص های روان گردان و نداشتن تعادل روحی از آن جا اخراج می شود. مرد جوان تعریف می کند: «زمانی که به خاطر مصرف قرص روان گردان از محل کارم اخراج و آس و پاس شدم به ناچار نزد مادر و ناپدری ام برگشتم اما این بار داستان عوض شد.

ناپدری ام بعد از برگشت من مدام مادرم را زیر مشت و لگد می گرفت به طوری که یک جای سالم در بدنش نمانده بود. سر این ماجرا با ناپدری ام درگیر شدم و او مرا از خانه بیرون کرد. مادرم توان رویارویی و ایستادن مقابل ناپدری ام را نداشت. آواره کوچه پس کوچه ها شدم تا این که با کمک پنهانی مادرم یک اتاق زهوار در رفته در حاشیه شهر برای خودم اجاره کردم و در آن جا ساکن شدم.»

مادر پسر آواره نیروی خدماتی یک نهاد دولتی بود، او با حقویش برای پسر خود یک موتور سه چرخ می خرد تا چرخ زندگی اش را با آن بچرخاند اما پسر جوان که به خاطر مصرف زیاد قرص های روان گردان توان کار کردن نداشت بعد از مدتی موتور را هم خرج مواد و دود کرد. با حمایت مادرش پای سفره عقد می نشیند و ازدواج می کند تا شاید بیماری روحی و روانی اش در مان شود و به زندگی عادی برگردد اما این ها خیال واهی بیش نبود.

او با چشمانی اشکبار می گوید: «بعد از ازدواج به خاطر مصرف قرص های روان گردان در خواب عمیق بودم و با حمایت مادرم زندگی سراسر تحقیرم را سر پا نگه می داشتم. همسرم چون از خانواده ضعیفی بود با من می ساخت. تا به خودم آمدم دیدم چند بچه قد و نیم قد اطرافم را گرفته اند. برادر همسرم اعتیاد داشت و به پیشنهاد او از مصرف قرص های روان گردان دست کشیدم و به مصرف مواد رو آوردم.»

مرد جوان که اصلا به گفته خودش با مواد صنعتی آشنایی نداشت از سر ناآگاهی به مصرف هروئین رو آورد و رفته رفته در باتلاق مواد افیونی افتاد. همسرش انگار از او دل می برد و کاری به کار او ندارد و او را به حال خودش رها می کند و همین اتفاق سقوط مرد جوان را سرعت می بخشد. مدتی مرد جوان با دست فرمان مصرف هروئین پیش می رود تا این که در ایستگاه متادون می ایستد. بعد از مدتی مصرف متادون و دیگر قرص های روان گردان این بار در ایستگاه شیشه پیاده می شود و پای بساط مواد

جناب آقای

رسول قلی زاده

بخشدار محترم بخش سملقان

با ابراز خشنودی انتخاب شایسته شما بزرگوار را به عنوان

رئیس شورای شهر آشخانه صمیمانه تبریک و تهنیت

عرض نموده و توفیقات روزافزونتان را از خداوند منان خواستاریم.

شورای اسلامی شهر قاضی و جمعی از شهروندان

۰۹۸۰۷۶۹۲۹

آگهی مزایده (نوبت دوم)

شهرداری حصار گرمخان به استناد مصوبه شماره ۱۰۲ مورخه ۱۳/۰۵/۱۳۹۸

شورای اسلامی شهر در نظر دارد

دو باب واحد تجاری (رستوران و مغازه) واقع در مجتمع میقات الرضا (ع) پمپ

بنزین شهرداری حصار گرمخان را از طریق مزایده به مدت سه سال به صورت

اجاره واگذار نماید.

متقاضیان واجد شرایط می توانند جهت اخذ اطلاعات بیشتر و شرایط شرکت و

دریافت اسناد مزایده در ساعات اداری به شهرداری حصار گرمخان مراجعه نمایند.

تلفن تماس: ۳۲۴۴۴۲۴۲ - ۰۵۸

سید امین کاظمی یزدی - شهردار

۰۹۸۰۷۶۹۲۹

ایران رادیاتور

[به ما دلگرم باشید...]



جشنواره اسپلیت های ایران رادیاتور

نصب رایگان (گارانتی ۵ ساله)



آدرس: بجنورد - خیابان ۱۷ شهریور جنوبی - خیابان آزادی (روبروی نظام مهندسی)

شماره تماس: ۰۵۸ - ۳۲۲۱۱۱۳۵ - ۰۹۱۵ ۳۸۴ ۶۹۵۱ - ۳۲۲۱۱۱۴۱

حیدر نیا

۰۹۸۰۷۶۹۲۹